

### متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: طبق مقاله «۸» صفحه ای ذیل نظر امام خمینی (ره) در مورد زکات و مالیات قبل از انقلاب و بعد از آن کاملاً یا تقریباً تغییر می‌کند. رهبری معظم نیز به این اصل مهم که در بیش از ۵۰ بار در کنار نماز آمده است چندان توجهی نداشته‌اند. خواهشمند با توجه به فضا و عالم جدید و با گذشت ۴۰ سال از انقلاب نکاتی را بیان فرمایید. شه گلی - از ارادتمندان جنابعالی متن مقاله به نام پروردگار رزاق، واسع، علیم و قدیر حضور محترم کلیه مکلفین در قبال آیه **وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ** [۱] سلام علیکم **حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلَّ عَلَيْنِهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** [۲] پروردگار متعال در مهندسی آخرین دین الهی ظرفیت‌های بسیار دقیق، ظریف و حساب شده‌ای برای اقتصاد و معیشت مردم قرار داده است. توصیه نماز به عنوان نماد عبادت و فلسفه خلقت در ۲۷ آیه قرآن کریم در کنار توصیه زکات آمده تا اهمیت معاش مردم در نظر معبود هر چه بیشتر شناخته شود. طبق آیه فوق الذکر جمع آوری وجوه شرعی از وظایف مهم رهبر دینی برشمرده شده تا موجبات تزکیه مردم فراهم شود. بر اساس آیات و روایات ریشه بسیاری از آسیب‌های فرهنگی در جامعه مسلمان که همواره از دغدغه‌های علمی اسلام هم بوده را باید در درآمدهای حلال کسب شده‌ای دانست که واجبات مالی شرعی از آنها جدا ادا نشده یا به عبارت دیگر در لقمه‌های حلال مخلوط به حرام جستجو کرد. قطعاً بزرگترین وظیفه حکومت اسلامی زمینه سازی برای عبودیت مردم است. بنابراین پس از مسأله توحید، تبیین اهمیت و جایگاه واجبات مالی شرعی، فرهنگ سازی برای پرداخت آن و رعایت امانت و جلب اعتماد مردم در توزیع و مصرف آن از مهمترین امور حکومتی محسوب می‌شود. علیرغم وجود احکام بسیار متریکی زکات در اسلام و خمس در فقه شیعه، متأسفانه پس از انقلاب و استقرار نظام اسلامی شیعه، به هیچ وجه در اجرا از ظرفیت‌های بالای این واجبات فراموش شده استفاده نشده است. امام خمینی (ره) در کتاب البیع می‌نویسد: "هر کس در مفاد آیه (۴۱ سوره انفال) و روایات تدبّر کند در می‌یابد که تمام سهام خمس به بیت المال تعلق دارد و حاکم حق تصرف در آن را دارد و نظر حاکم که مبتنی بر مصلحت تمام مسلمانان است، لازم الاتباع می‌باشد. [۳]" همچنین ایشان جمع بندی نظریه خویش را در باب اینکه متصدی وجوه شرعی کیست و اساساً فلسفه تشریح مالیات‌های اسلامی نظیر خمس، زکات، جزیه و خراج و... چه می‌باشد به روشنی در کتاب ولایت فقیه (پیش از انقلاب) بیان داشته و می‌فرماید: "مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت

بزرگ است. مثلاً خمس یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. طبق مذهب ما، از تمام منافع کشاورزی، تجاری، منابع زیرزمینی و روی زمینی و به طور کلی از کلیه منافع و عواید، به طرز عادلانه‌ای خمس گرفته می‌شود. بدیهی است درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع همه احتیاجات مالی آن است. هرگاه خمس درآمد کشورهای اسلام یا تمام دنیا را اگر تحت نظام اسلام درآید، حساب کنیم، معلوم می‌شود منظور از وضع چنین مالیاتی فقط رفع احتیاج سید و روحانی نیست، بلکه قضیه مهمتر از اینهاست. منظور رفع نیاز مالی تشکیلات بزرگ حکومتی است. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیاتهایی که داریم، یعنی خمس و زکات - که البته مالیات اخیر زیاد نیست - جزیه و خراجات (یا مالیات بر اراضی ملی کشاورزی) اداره شود. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیاتهایی را به اندازه و بر تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده سپس جمع آوری کنند و به مصرف مصالح مسلمین برسانند. [۴] "همچنین ایشان پس از انقلاب خطاب به وزیر امور اقتصاد و دارایی وقت و معاونین این وزارتخانه در تاریخ ۳۱/۳/۵۸ فرمودند: "و اگر یک روزی هم انشاءالله توانستیم، توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم و آن هم کم رقمی نیست، البته از زکات خیلی نیست اما اندازه فقرا هست که دیگر فقیر را نمی‌گذارد وجود پیدا کند. اما خمس یک مالیات بسیار هنگفتی است و این مالیات بسیار هنگفت برای همه چیز است یعنی سیستمش طوری است که، اینطور نیست که خیال بشود که برای فقرا است. خمس تمام عایدی تمام یک مملکت در هر سال یک قلم بسیار درشت است و این می‌تواند اداره بکند. اگر انشاءالله توانستید، توانستیم همین سیستم اسلامی را که دیگر در مالیات هم هیچ احتیاج به اینکه یک چیز دیگری زاید بر آن باشد نداشته باشیم، همین خمس تمام درآمدها و بسیار عادلانه است برای اینکه این بقال سر محله به اندازه خودش مالیات می‌دهد، آن آدمی هم که صاحب کارخانه‌های کذاست آن هم به اندازه خودش مالیات می‌دهد. این یک طور سیستمی است که یک جور با عدالت رفتار شده و اگر چنانچه انشاءالله هم بشود، که دیگر هیچ احتیاجی به اینکه مردم زاید بر آن چیزی بدهند ندارد و البته حالا که باز آن ترتیب نشده است و امید است که بشود و اگر بشود هم یک درآمد بسیار سرشاری است که شاید همه چیز ما را اداره بکند و انشاءالله مملکت صحیح و سالم بشود و خودتان اداره‌اش بکنید. [۵]" از طرفی ایشان مالیات بر درآمد را جزء مؤونه دانسته و محاسبه خمس را پس از کسر آن جایز می‌دانند. یعنی در حکم ایشان، مالیات جدید فعلی که در بیان فوق زاید بر حکم اصلی توصیف شده، پذیرفته شده است. با تجربه و بررسی مشخص است که این حکم نتوانسته زمینه‌ای برای تحقق آن استنباط فقیهانه ایشان از احکام در قبل از انقلاب و توصیه ایشان پس از انقلاب را فراهم کند. یعنی در اجرا نسبت منطقی و معقولی بین مالیات‌های حکومتی و خمس برقرار نشده تا با پرداخت مالیات که ضمانت اجرایی دارد از یک سو اموال مردم مسلمان حلال گردد و از سوی دیگر پشتوانه اقتصادی حکومت منطبق بر احکام اسلام شود. با دنبال کردن بیانات ایشان پس از انقلاب، علت قانونی نشدن حکم اولیه خمس و قانونی شدن

حکم ثانویه مالیات حکومتی را باید در نوع نگاه ایشان و برخی از بزرگان نظیر شهید آیت‌الله دکتر بهشتی در ضمانت اجرایی این دو شیوه جستجو کرد. ایشان در پاسخ به عده‌ای که ابراز می‌داشتند مالیات حکومتی نباید اخذ گردد، در تاریخ ۲۶/۹/۶۲ فرموده‌اند: " آقا می‌نویسد مالیات نباید داد. آخر شما ببینید بی اطلاعی چقدر. آقا، ما امروز روزی نمی‌دانم چند صد میلیون ما الان خرج این - چیزمان است جنگ‌مان است. روزی چند صد میلیون خرج جنگ با سهم امام می‌شود درستش کرد حالا؟ حالا ما می‌توانیم مردم را همه را بنشانیم اینجا و به زور از سهم امام بگیریم؟ سهم امام حالا به اندازه‌ای است که همین حوزه‌ها را بگردانیم، بیشتر از این هم نیست، یک کمی اگر بیشتر باشد می‌دهند به دولت. یکدفعه آدم بگوید که نخیر، ما می‌گوییم که دولت مالیات نگیرد، سهم امام بگیرد. چه جور؟ از کجا بیاوریم سهم امام اینقدر؟ ما از کجا سهم امام و سهم سادات پیدا کنیم که دولت را اداره بکنیم، مملکت را اداره بکنیم، اینهمه اشخاصی که ریخته‌اند به جان دولت و خرج دارند و چی دارند اداره بکنیم. خوب، بی فکر حرف می‌زنند آقایان، یک کسی می‌رود یک چیزی به آنها می‌گوید آنها هم باورشان می‌آید. آقایان دیگر هم همین طورند، با سلامت نفسی که دارند باورشان می‌آید.

[۶] " همچنین آیت‌الله دکتر بهشتی نیز در خطاب به عده‌ای که با اخذ مالیات حکومتی مخالف بودند، فرموده‌اند: "تجربه نشان داده است و ما نیز می‌دانیم که مالیات‌های چهارگانه مشخص و کمک‌های داوطلبانه مردم کم است و بودجه حکومت با آنها تأمین نمی‌شود. اداره جامعه اسلامی بدون یک نظام مالیاتی که قطعاً مشتمل بر وضع مالیات‌های نوئی است که در آیات و روایات به آنها تصریح نشده و بخصوص نام برده نشده است ممکن نیست. [۷] " در اینجا بحث بر سر صحت یا عدم صحت وضع مالیات حکومتی (مالیات جدید بر اساس حکم ثانوی) نیست بلکه بحث بر سر این است که چه میزان بر روی احکام مالی اولیه (خمس، زکات، خراج، جزیه و...) تمرکز شده و ظرفیت‌های آن سنجیده شده که باید به ناکارآمدی آن‌ها در تأمین بودجه حکومت نظر داد. برای جلوگیری از اطاله کلام در اینجا روایتی نقل می‌گردد و ادامه بحث ذیل حدیث پیگیری می‌شود. در روایتی از امام باقر(ع) آمده است که ایشان فرمودند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد مسجد شدند و با جمله برخیز فلانی، برخیز فلانی، برخیز فلانی « قم یا فلان، قم یا فلان، قم یا فلان » پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی‌دهید از مسجد بیرون بروید. آری نمازگزار واقعی بخیل نیست. [۸] نکته ظریف، دقیق و قابل توجه اینکه حضرت رسول اکرم(ص) در پاسخ به عدم پرداخت واجب مالی شرعی آن پنج نفر - که قطعاً پس از تبیین صحیح حکم و دادن فرصت کافی برای اجرای حکم صورت گرفت - مانند برخی از گناهان دیگر نظیر زنا و شرب خمر که مجازات تعیین شده دارند، عمل نکرد بلکه از شفافیت و نظارت همگانی بهره جست تا برای اشخاصی که ناقض احکام زمینه ساز عدالت اجتماعی هستند، شرایط حضور در اجتماع سخت گردد. اهمیت مسأله تا حدیست که آبروی شخص که در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد باید هتک گردد تا عدالت اجتماعی تضمین شود. آیا می‌توان تصور نمود که این واکنش پیامبر اکرم (ص) برای یک عمل داوطلبانه بوده است. شاید تصور

داوطلبانه بودن انجام پرداخت واجبات مالی شرعیه در نظر برخی با عنایت به توصیه‌هایی که حضرت علی(ع) به مأمورین جمع‌آوری زکات داشته‌اند، شکل گرفته باشد. در نامه ۲۵ نهج البلاغه آمده است: "چون به قبیله‌ای برسی... پس بگوی که ای بندگان خدا! ولی خدا و خلیفه او مرا به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد بستانم. آیا خدا را در اموالتان سهمی هست که آن را به ولی خدا بپردازید؟ اگر کسی گفت نه، به سراغش مرو و اگر کسی گفت: آری، بی آنکه او را بترسانی یا تهدیدش کنی یا بر او سخت گیری یا به دشواری‌اش افکنی به همراهش برو و آنچه از زر و سیم دهد بستان...". قطعاً این توصیه‌ها را باید در کنار این روایت امام صادق(ع) قرار داد که فرمودند: "امام و پیشوای مسلمانان مردم را وادار می‌کند که از اموال آنان زکات گرفته شود؛ زیرا خدا فرموده است: از اموال آنان صدقه بگیر[۹]" البته یادآوری نظر امام خمینی(ره) در اینجا خالی از لطف نیست: "بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی(عج) به فقیه و حاکم اسلامی بدهند به ویژه اگر دستور بدهد؛ زیرا او به جایگاه و محل مصرف آن آگاه‌تر است و اگر فقیه و حاکم اسلامی بنا بر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند واجب است. [۱۰]" با دقت در مطالب فوق و مطالعه مقاله ارزنده "نگرش مالیاتی خمس، آثار و پیامدها [۱۱]" که به اثبات تفوق نگرش مالیاتی بر خمس نسبت به دیدگاه سنتی می‌پردازد و در نظر داشتن احادیثی که عدم پرداخت زکات را موجب خروج از ایمان و اسلام می‌داند [۱۲] از یک سو و نبودن مجازات معین در اسلام برای عدم پرداخت زکات از سوی دیگر، باید بر ضرورت و اجباری بودن پرداخت واجبات مالی شرعیه توسط عموم مسلمین و جمع‌آوری آن از سوی دولت اسلامی تأکید نمود و شفافیت و نظارت همگانی را ضامن اجرایی آن دانست که به حق در صورت فرهنگ سازی مناسب ابزاری بسیار قوی و تأثیرگذار است. البته بدون برنامه ریزی و اجرای گام به گام با هدف اعتمادسازی نمی‌توان به این مهم دست یافت. اکنون دوست و دشمن اذعان دارند که عدم شفافیت در نظام جمهوری اسلامی در سطوح و موضوعات مختلف (خصوصاً در امور مالی) موجب سلب اعتماد عمومی گشته و زمینه انواع رانت‌ها و فسادها را فراهم آورده است که افسوس هر انسان با بصیرتی را بخاطر دوری از احکام اسلام در نظامی که داعیه اسلام دارد، برمی‌انگیزد. ضمانت اجرایی شفافیت در کنار اصول فقهی می‌تواند مواد اولیه برای قانونگذار جهت ایجاد ساختار مالیاتی بر اساس واجبات مالی شرعیه را فراهم کند. مراجعه به مقاله تحقیقی با عنوان "تحلیل مقایسه‌ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران [۱۳]" مشخص می‌دارد که نظام خمس در مقایسه با مالیات حکومتی فعلی با کمترین اخلال در نظام اقتصادی در اجرای عدالت موفق‌تر عمل می‌کند. همچنین مقاله "برآورد ظرفیت خمس در رفع فقر در ایران طی سال‌های ۸۹-۸۰ [۱۴]" به تحقیق ظرفیت بالای خمس را در رفع فقر که مهمترین وظیفه حکومت اسلامی برای ریشه‌کنی دردناکترین آسیب اجتماعی است، نشان می‌دهد. حکم مترقی خمس از دو منظر می‌تواند در اقتصاد نقش آفرینی کند: اگر حکم خمس قانونی شود با توجه به حبّ مالی که خدا در نهاد عموم قرار داده، شخص

از یک سو تلاش می‌کند که سرمایه خود را در چرخش داشته باشد تا خمس کمتری پرداخت کند که این خود به پویایی اقتصاد، اشتغال و تولید کمک می‌کند و از سوی دیگر در صورتی که پس‌انداز داشته باشد باید یک پنجم آن را پرداخت کند که در صورت مدیریت صحیح در راستای ریشه کنی فقر و سایر مصالح عمومی مسلمین هزینه خواهد شد. قانونگذار در نظام جمهوری اسلامی برای مسائلی نظیر شرب خمر، عدم رعایت حجاب، روزه خواری و بسیاری از احکام اسلام که اثر اجتماعی دارند، قانون وضع نموده اما واجبات مالی شرعی که بر اساس یک مهندسی دقیق برای پیشگیری از فقر و برقراری عدالت در جامعه در شرع مقدس وضع شده، هیچ جایی در قانون فعلی کشور ندارد. آیا این دو یا چندگانگی مصداق آیات **تُؤْمِنُ بَعْضٌ وَنَكَفُرُ بَعْضٌ** [۱۵] و **وَالَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ** [۱۶] نیست؟ اساساً نظامی که از بالاترین ظرفیتها و احکام اقتصادی اسلام و خصوصاً فقه شیعه برای برقراری عدالت اقتصادی و حلال کردن مال مردم و بودجه دولت استفاده نمی‌کند، می‌تواند اسلامی خطاب شود؟ اگر پس از انقلاب حکومت اسلامی تشکیل شده پس چرا ساز و کاری وجود ندارد که پرداخت به این حکومت اموال مردم را تطهیر نماید و مورد تأیید مراجع باشد؟ مگر مصدّقین در حکومت نبی اکرم (ص) و حضرت علی (ع) وظیفه تخمین سهم خدا در اموال مردم و جمع آوری آن را بر عهده نداشتند و بواسطه این دریافت موجبات تزکیه و عبودیت مردم فراهم نمی‌شد؟ مگر نه اینکه " اگر عبادت ده جزء داشته باشد نه جزء آن در کسب روزی حلال است [۱۷]" و ریشه بسیاری از گناهان و آسیب های فرهنگی- اجتماعی در حلال نبودن لقمه‌هاست؟ پس چرا چنین ساختاری در حکومت ولی فقیه وجود ندارد؟ مگر ولایت فقیه همان ولایت رسول الله نیست؟ وقتی چارچوب بودجه اقتصادی نظام از بنیان سکولار و بر مبنای منبع زیرزمینی نفت بسته شده و نسبتی با احکام اقتصادی اسلام ندارد چگونه می‌توان از دولت‌ها مطالبه کرد که عدالت اسلامی را برپا کنند؟ نظامی که توانایی رسانه‌ای آن در ایامی نظیر انتخابات و راه‌پیماییها بر کسی پوشیده نیست چرا راجع به فرهنگ‌سازی برای واجبات مالی شرعی که از ارکان عبودیت جامعه محسوب می‌شود اینچنین بی‌رمق فعالیت می‌کند؟ آیا شیوع فقر با جلوه‌هایی نظیر کارتن‌خوابی و گورخوابی را نباید نشان از متنافر بودن حرکت اقتصادی نظام با اقتصاد اسلامی دانست؟ به واقع اگر فرض کنیم همه دشمنی‌ها و تحریم‌ها علیه ایران مرتفع گردد، ریل گذاری نظام در اقتصاد، ما را به سوی اقتصاد اسلامی پیش می‌برد؟ البته اگرچه متأسفانه در بخش اقتصادی قانون اساسی اشاره‌ای به واجبات مالی شرعی نشده اما در اصل ۴۴ شرط به رسمیت شمردن مالکیت‌ها، خارج نبودن از محدوده قوانین اسلام ذکر شده که می‌تواند در قانونمند نمودن و ساختاردهی بسیار راهگشا باشد. در واقع خلأ یا ضعف فقه حکومتی خصوصاً در حوزه اقتصاد، آسیب جدی به اسلامی شدن اقتصاد ایران زده است. خمس و زکات احکامی هستند که وقتی با یک فرهنگ‌سازی مناسب به طور همه گیر در جامعه اجرا شود، روح برابری، برادری همدلی و احساس مسوولیت را برقرار می‌کند و این روحیه است که ربا را در انواع اشکالش ریشه کن کرده و زمینه ساز دستور قرآنی **قَرْضَ الْحَسَنَةِ** خواهد بود. دستورات اسلام با یک

پیوستگی و انسجام در هم تنیده شده‌اند و غفلت از یکی امکان اجرای صحیح دیگری را مختل خواهد کرد. اینکه اکنون نظام جمهوری اسلامی به زعم مراجع تقلید همچون آیت‌الله جوادی آملی دچار نظام بانکداری ربویست نتیجه غفلت از واجبات مالی شرعیه در فرهنگ سازی، قانونگذاری و اجراست. در حالیکه با مراجعه به قرآن کریم [۱۸] و روایات معصومین علیهم السلام [۱۹] علل بسیاری از بلایای طبیعی که کشور ما هر ساله با آن‌ها روبروست نظیر خشکسالی، از بین رفتن محصولات و ثمرات با سیل و سرمای نابهنگام و زلزله با عواقب وخیم و دردناک آن، در عدم پرداخت واجبات مالی شرعیه ریشه یابی می‌گردد [۲۰]، چرا در نظام جمهوری اسلامی که در اصل دوم قانون اساسی بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او و وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین و... برای برپایی قسط و عدل برپا شده و طبق اصل پنجم آن در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه»، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، علیرغم بلایای طبیعی متعدد هیچگاه ارتباط بلایای طبیعی و انحراف از قوانین مالی اسلام در قانونگذاری و اجرا توسط ولی فقیه تبیین نمی‌شود؟ اما استکبار ستیزی که در جای خود بسیار هم لازم است، در بیانات ایشان ظهور و بروز بسیار دارد. آیا این رعایت شرط عدل در پرداختن به احکام اسلام است؟ با نظام مالی ربوی دولتها [۲۱]، عدم حضور واجبات مالی شرعیه در نظام مالیاتی و توجه به آیات ۲۷۷ تا ۲۷۹ سوره بقره [۲۲] و حدیث امام علی (ع) مبنی بر اینکه کسی که زکات ندهد همانند کسیست که ربا می‌خورد [۲۳]، آیا این نظام به واقع در جنگ با خداست یا شیطان بزرگ آمریکا؟ این تصادف نیست که نظام پس از قریب به چهل سال از یک سو با بزرگترین چالش در حوزه اقتصاد مواجه است و فقر و اختلاف طبقاتی به اوج خود رسیده و از سوی دیگر در اجرای احکام اقتصادی اسلام غفلت ورزیده است. بستر اسلامی در حوزه اقتصاد فراهم نشده فلذا در ساختار اقتصادی فعلی برنامه هر دولتی در حوزه اقتصاد در صورت سلامت در اجرا، جنبه تسکین درد داشته و علاج واقعی نیست. علاج در رجوع به احکام اسلام ناب است. ناگفته پیداست نخستین گام برای تحقق این مهم بر عهده متولیان دین (ولی فقیه و مراجع عظام تقلید) بوده که باید با یک عزم جدی و اجتهاد جمعی احکام لازم را استخراج نمایند و پویایی فقه شیعه را نشان دهند تا ضمن فرهنگ‌سازی، زمینه برای قانون‌گذاری و اجرا فراهم و قصور گذشته جبران گردد. قطعاً اقتصادی که ریشه در احکام اسلام ناب داشته باشد توانایی مقاومت در برابر هر گونه تهدید و تهاجم دشمن را خواهد داشت. البته خاطر نشان می‌گردد که پس از فرهنگ‌سازی و تبیین اهمیت و فوائد خمس و زکات که خود مستقلاً نیازمند برنامه‌ریزی رسانه‌ایست؛ بزرگترین مانع برای ایجاد ساختار مالیاتی بر مبنای واجبات مالی شرعیّه، عدم وجود اعتماد دو طرفه بین مردم و حکومت است که جلوه‌های آن در حجم بسیار فرارهای مالیاتی کنونی، کاملاً هویداست. وظیفه حفظ نظام و تولید امنیت و اقتدار برای نظام اسلامی شیعه زمانی محقق می‌گردد که تک‌تک ما اولاً به آرمان‌های نظام اسلامی شیعه معتقد باشیم و ثانیاً مطمئن باشیم که حرکت و رویکرد نظام به سمت آن

آرمان‌هاست. با مطالبی که ارائه شد در خصوص این اطمینان حداقل در حوزه بسیار مهم اقتصاد که زمینه‌ساز سایر حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی است، با چالش جدی مواجهیم که مستقیماً در انجام مطلوب وظیفه حفظ نظام و تولید امنیت و اقتدار برای آن، تأثیرگذار است. در اینجا با اعتقاد به نظام ولایت فقیه و باور به اینکه ولایت فقیه مقدمه ولایت معصوم است، موارد ذیل برای عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی پیشنهاد می‌گردد: ۱. اجماع حدّالامکان ولی‌فقیه و مراجع عظام تقلید بر نظام مالیاتی مبتنی بر واجبات مالی شرعی و ورود به مقوله فرهنگ‌سازی و اجرای اقتصاد اسلامی بر پایه آن و اذعان صادقانه به اینکه پس از انقلاب اسلامی در این زمینه قصور رخ داده است. این اظهار تأسف و قصور صادقانه خود اولین و مهمترین گام برای تحقق اقبال عمومی به پرداخت واجبات مالی شرعی خواهد بود. ۲. فعالیت رسانه‌ای هدف‌دار، محققانه و برنامه‌ریزی شده با استفاده از حداکثر ظرفیت‌های رسانه‌ای کشور برای تبیین ظرفیت‌های احکام اقتصادی اسلام و ایجاد همدلی و عزم ملی در همه طبقات جامعه برای ریشه‌کنی فقر، افزایش تولید، ایجاد اشتغال و... ۳. استفاده از ظرفیت‌های اجرایی و تشکیلاتی غیردولتی نظیر حوزه‌ها، مساجد و خیریه‌های خوشنام و مورد وثوق مردم در اقصی نقاط کشور با توجه به ایجاد شکاف در اعتماد مردم نسبت به دولت در راستای شناسایی نیازها، جمع‌آوری واجبات مالی شرعی و توزیع و مصرف منابع گردآوری شده تحت نظارت رهبری و مراجع عظام تقلید ۴. استفاده از ظرفیت‌های فوق‌العاده آستان قدس رضوی در اجرای فعالیت‌ها و مردم‌نهاد کردن هر چه بیشتر امور. ۵. تلاش مجدّانه فقها، حقوقدانان و اقتصاددانان متعهد و نمایندگان مجلس با نظارت شورای نگهبان برای قانونگذاری و جایگزینی تدریجی نظام مالیاتی فعلی با نظام مالیاتی مبتنی بر واجبات مالی شرعی، به موازات تبلیغات فرهنگی در عرصه اجتماع. ۶. همراه کردن تدریجی دولت در فعالیت‌ها به عنوان پیرو یک حرکت منسجم ملی و نه پایه. در پایان از باب وَدَكَّرَ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ [۲۴] مطالب ذیل ارائه می‌گردد: • در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده اما در زمینه‌ی عدالت باید کار کنیم و باید از مردم و خدا عذرخواهی کنیم. درباره عدالت مشکل داریم. ان شاء الله با همت مردان و زنان کارآمد در این ناحیه هم پیشرفت خواهیم کرد. [۲۵] • امام علی (ع) می‌فرماید: یا أيها الناس ان لی علیکم حقا ولکم علی حق فاما حکم علی فالنصیحه لکم. .. و اما حقی علیکم فلو فاء بالبیعه والنصیحه فی المشهد والمغیب. مردم! من بر شما حقی دارم و شما بر من حقی حق شما بر من نصیحت خیرخواهانه برای شماست. .. و حق من بر شما و فاء به بیعت و نصیحت در حضور و غیاب من است. [۲۶] • امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) در منی برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: خدا خرم و شادان کند بنده‌ای را که سخنم را بشنود و در گوش گیرد و به کسانی که نشنیده‌اند برساند،... سه چیز است که دل هیچ مسلمانی با آن خیانت نکند: خالص نمودن عمل برای خدا، نصیحت پیشوایان مسلمین (اعم از معصوم و غیر معصوم) و همراه بودن با جماعت مسلمین. [۲۷] • امام محمد باقر (ع) فرمودند: اگر علما نصیحت را پنهان دارند، خیانت کرده‌اند. اگر سرگشته گمراهی را دیدند و او را راهنمایی نکردند و یا (دل) مرده‌ای

را زنده نمودند، وه که چه کار زشتی کرده‌اند. چون خداوند تبارک و تعالی در کتاب، از ایشان پیمان گرفته که به معروف و آنچه فرمان یافته‌اند فرمان دهند و از آنچه نهی شده‌اند نهی کنند و بر نیکوکاری و پرهیزکاری یکدیگر را یاری کنند و در گناه و ستم یکدیگر را یاری نکنند. [۲۸] • در زمانی که مرجعیت به عنوان شاخص زعامت و رهبری شیعه تلقی می‌گردید شهید مطهری مرقوم فرمودند:

مراجع، فوق انتقاد به مفهوم صحیح این کلمه نیستند و معتقد بوده و هستیم که هر مقام غیر معصومی که در وضع غیر قابل انتقاد قرار گیرد، هم برای خودش خطر است و هم برای اسلام. ... مانند عوام فکر نمی‌کنم که هر که در طبقه مراجع قرار گرفت مورد عنایت خاص امام زمان (عج) است و مصون از خطا و گناه و فسق است. اگر چنین چیزی بود، شرط عدالت بلاموضوع بود. [۲۹] • مولای متقیان علی (ع) فرمودند: گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق، یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن، برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید. [۳۰] به امید اینکه تنها حکومت شیعه زمینه ساز ظهور حضرت ولی عصر (عج) در طول تاریخ اسلام، بتواند روز به روز جلوه‌های کاربردی بیشتری از اسلام ناب را در برابر چشم جهانیان قرار دهد و عملاً با عبور از شعار، مهمترین رسالت خویش را که همانا زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی موعود (عج) است، با موفقیت به انجام رساند. و من الله التوفیق مهر ۹۷ مآخذ ۱. بخشی از آیه ۱۸۷ سوره آل عمران- ترجمه کامل آیه: و چون خدا از آنان که کتاب به آنها داده شد پیمان گرفت که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید، پس آنها عهد خدا را پشت سر انداخته و آیات الهی را به بهایی اندک فروختند، پس بد معامله‌ای کردند. ۲. آیه ۱۰۳ سوره توبه □ ترجمه: (ای پیامبر) از اموال آنها صدقه بگیر و به این صورت آنها را پاکیزه گردان و اموالشان را نمو بده و بر آنها دعای خیرنما، همانا دعای تو باعث آرامش آنهاست و خدا شنوا و داناست. آیت الله جوادی آملی در درس تفسیر آیه ۱۵۱ سوره بقره " کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ " با توجه به آیات قرآن صدقه، عدم دلبستگی به دنیا، پرداخت خمس و زکات، توحید، رعایت آداب معاشرت را از جمله راههای عملی تزکیه برشمرده و با اشاره به آیه ۱۰۳ سوره توبه تأکید می‌کند: احکام مالی و مسائل مالی انسان را آلوده می‌کند نه یعنی مال آلوده است، آن تملك بیجا آلوده است، آن تعلق ناروا آلوده است. ۳. البیع ، امام خمینی ج ۲ ص ۴۹۵ ۴. ولایت فقیه، امام خمینی ص ۲۲-۲۴ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۵. صحیفه نور جلد ۷ صفحه ۱۷۲ ۶. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۸۶ ۷. اقتصاد اسلامی، شهید بهشتی، ص ۱۱۱-۱۱۴، دفتر فرهنگ اسلامی ۸. من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۱۲ ، وسائل الشیعه، ج ۹ ص ۲۴ ۹. یجبر الامام الناس علی اخذ الزکاه من اموالهم لان الله عزوجل قال: "خذ من اموالهم صدقه" - دعائم الاسلام، قاضی نعمان مصری، ج ۱، ص ۲۵۳ ؛ بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۸۶، حدیث ۱۰۷ ۱۰. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۴۳ ۱۱. محمد امیر نوری کرمانی - مجموعه مقالات دومین



کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی(س) □ صفحه ۱۳۷ ۱۲. قال ابو عبدالله: من منع قیراطا من الزکاه فلیس بمؤمن و لا مسلم و هو قول الله عزوجل: "رب ارجعون لعلي اعمل صالحا فيما ترکت" امام صادق (ع) فرمود: "کسی که به وزن یک قیراط از زکات واجب را نپردازد مؤمن و مسلمان نیست و مصداق فرموده خداست (که بعد از مرگ می گوید) خدایا مرا برگردان تا بعدها کار شایسته انجام دهم. - وسایل الشیعه ج ۶ ص ۱۸ ۱۳. محمدتقی گیلک حکیم آبادی - مجله تحقیقات اقتصادی- شماره ۵۷ □ پاییز و زمستان ۷۹ □ ص ۱۸۹ الی ۲۲۸ ۱۴. محمد مهدی عسگری / سحر نیازخانی □ فصلنامه علمی- ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی- شماره هشتم- پاییز ۹۳- ص ۱۰۱ الی ۱۲۲ ۱۵. قسمتی از آیه ۱۵۰ سوره نساء- ترجمه کامل آیه: کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می کنند و می خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند و می گویند: «به بعضی ایمان می آوریم، و بعضی را انکار می کنیم» و می خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند. ۱۶. آیه ۹۱ سوره حجر- ترجمه: همانها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند) ۱۷. رسول اکرم (ص) - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۹، ح ۳۷ ۱۸. فَخَسَفْنَا بِهِ وَ بَدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ - قصص ۸۱ - " او و خانه اش را در زمین فرو بردیم ، پس او هیچ کسی را نداشت که به غیر خدا او را یآوری کند و خودش هم از منع کنندگان از عذاب نبود. " قارون از پرستش الهی سر باز زد و از دادن حقوق واجب و استفاده صحیح از ثروت ابا کرد و بالاخره به زمین فرو رفت که یکی از آثار زلزله، فرو بردن زمین است. وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهَا مُصْلِحُونَ □ هود ۱۱۷- " و پروردگارت رانسزد که اهل آبادیهایی را که شایسته کار و اصلاحگرند به ستم نابود کند" این آیه لزوم ریشه یابی برای هر پیشامد طبیعی مهلک اعم از زلزله، سیل و... را توسط رهبران دینی و مردم، گوشزد می کند. ۱۹. امام صادق (ع): خداوند بر این امت چیزی را سخت تر از زکات واجب نکرده است و اکثر هلاکت امت ها به خاطر نپرداختن آن است. [ وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷ ] امام صادق (ع): ما ضاع مال فی بَرٍّ و لا بحر الا بتضییع الزکاه ؛ هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع و تلف نمی شود، مگر به خاطر آن که زکات آن پرداخت نشده باشد [کافی، ج ۳، ص ۵۰۵] رسول خدا (ص): لاتزال امتی بخیر ما تحابوا و اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه فاذا لم يفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین ؛ امت من مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می شوند. [ جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۴۸ ] امام رضا(ع): پرداخت خمس، کلید روزی شما است و مایه پاک شدن گناهان شما و ذخیره □ ای است که برای روز بی □ نوائی خود پس انداز کنید. آن را از ما دریغ ندارید و خود را از دعای ما محروم □ نسازید. [ اصول کافی-ترجمه کمره □ ای جلد □ ۳ صفحه ۶۳۳ ] رسول خدا (ص): اذا منعت الزکاه منعت الارض برکاتها؛ هرگاه زکات پرداخت نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می دارد. [جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۵۲] امام باقر (ع): اگر زکات پرداخت نشود، برکت از کشاورزی و میوه ها و معادن برداشته می شود. [ کافی، ج ۲، ص ۳۷۴ ] ۲۰. در احادیث گناهان دیگری نظیر زنا، ربا، کم فروشی و...

به عنوان علل نزول بلا یا ذکر شده اند اما با توجه به اهمیت روزی حلال مطابق حدیث " العبادة عشرة اجزاء تسعة أجزاء في طلب الحلال "، عدم پرداخت فراگیر واجبات مالی شرعی با آمیخته کردن روزیهای مردم به حرام اولاً زمینه بروز سایر گناهی را که نازل کننده بلا هستند برای مردم فراهم می کند و ثانیاً با عمومیت داشتن در بین مردم استحقاق عذاب الهی با بلایای طبیعی را برای عموم فراهم می کند. ۲۱. علاوه بر تعیین نرخ سود قطعی بر وام ها و سپرده ها، جریمه دیرکرد و... علیرغم کلاه های شرعی در نظام بانکداری، تغییر نرخ ارز و سکه توسط دولت های ادوار مختلف در نظام جمهوری اسلامی به عنوان منبع درآمد از مصادیق بارز رباخواری دولتهاست. ۲۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۲۷۷ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۲۷۸ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْنَئْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ ۲۷۹ ۲۳. جامع الاحادیث، ج ۹، ص ۶۳ ۲۴. آیه ۵۵ سوره ذاریات □ ترجمه: و (امت را) تذکر و پند می ده که پند و تذکر (اگر کافران را نفع ندهد) مؤمنان را سودمند افتد. ۲۵. بیانات ولی فقیه در دیدار مردم آذربایجان شرقی مورخ ۲۹/۱۱/۹۶ ۲۶. فرازی از خطبه ۳۴ نهج البلاغه ۲۷. اصول کافی ج ۱ ص ۴۰۳ ۲۸. اصول کافی، جلد ۸، صفحه ۵۴ ۲۹. پاسخ های استاد شهید مطهری به نقدهایی بر کتاب مسأله حجاب، ص ۷۱ ۳۰. فرازی از خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه شده اید ما هرچه ضرر می کنیم به جهت بیرون افتادن و بیرون رفتن از نظام اقتصادی اسلامی است. نظامی که تماماً با روح ایمانی مردم مسائل اقتصادی اش را مدیریت می کند و نه با فشار بخشنامه و دستورات دولتی. بخواهیم و نخواهیم در صورتی می توانیم از این معضلات اقتصادی آزاد شویم که بستر اقتصادی خود را به کلی از بستر اقتصادی دنیای سرمایه داری آزاد کنیم و فکر می کنیم شرایط موجود موجب شود تا ما کمی به سر عقل آییم. اما در کنار این بحث چند نکته را عنایت داشته باشید:

۱. جامعه در شرایط جدید یک پدیده‌ی جدید است و با جامعه در زمان پیامبر خدا «صلوات الله علیه و آله» فرق می کند. جامعه در شرایط جدید طوری است که مثلاً مدرسه و دانشگاه و بیمارستانش را دولت اداره می کند، در صورتی که جامعه در صدر اسلام چنین اموری را به عهده‌ی خود مردم می گذاشت و این جاست که علاوه بر زکات و خمس، مالیات برای اداره‌ی این امور معنای خاص خود را دارد.
۲. جامعه در شرایط جدید در امور سیاسی و بین المللی خود، هویت خاصی دارد که در گذشته چنین اموری که مثلاً باید ما در سازمان ملل حاضر باشیم و بودجه‌ی مربوط به اعضای آن را بپردازیم؛ معنا نداشت و یا اگر بنا بود جنگی و یا دفاعی صورت بگیرد، تأمین بودجه‌ی آن به

عده‌ی دولت نبود، خود مردم در جنگ حاضر می‌شدند و اگر غنیمتی نصیب‌شان می‌شد همان غنیمت‌ها برای آن‌ها می‌ماند، همچنان‌که شهداء نیز برای جامعه‌های گذشته سهمی از بودجه‌ی دولت نداشتند و این‌جاست که می‌توان گفت دولت به عنوان یک پدیده‌ی جدید، ما را به شرایط اقتصادی جدیدی سوق می‌دهد و مقام معظم رهبری به عنوان حاکم شرعی جامعه‌ی اسلامی بعضی از حقوق حاکم شرع را به دولت واگذار کرده‌اند مثل سودی که از انفال اعم از نفت یا معادن و یا مسیله‌ها حاصل می‌شود. موفق باشید